| تاریخ دریافت:۱۴۰۱/۰۲/۰۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ |

دلالت‌های مبانی انسان‌شناختی اسلامی در ورزش قهرمانی

علیرضا صانعی*

دانش‌آموختهٔ دکتری حکمت متعالیه، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران، (نویسندهٔ مسئول).

alirezasanei52@yahoo.com

حسن خلجی

دانشیار گروه رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

h-khalaji@araku.ac.ir

احمدحسین شریفی

استاد گروه فلسفه، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

Sharifi1738@gmail.com

چکیده

با گذر زمان وجوه مـــادی و دنیوی ورزش قهرمانی که «کوبرتن» پایه‌گذار آن بود، غلبه یافت و در مقابل، روزبه‌روز از جنبه‌های معنوی و روحی آن کاسته شد. ورزش قهرمانی نوین با توجه به مبانی انسان‌شناختی، در سیر تدریجی خود به بی‌هویتی و ازخودبیگانگی ورزشکاران و از بین رفتن روحیهٔ اخلاقی و منش پهلوانی انجامیده اســـت. هدف نهایی ورزشـــکاران در رویدادهای ورزشـــی نیز کسب نتیجه به هر قیمت و رســـیدن به قهرمانی به هر بهایی شده اســـت. در این نوشتار، با اشاره‌ای به مهم‌ترین مبنای انسان‌شـــناختی اســـلامی، نقش آن‌ها در شکل‌دهی به ورزش قهرمانی اسلام‌پسند بیان شده اســـت. مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی اسلامی که می‌توانند در شـــکل‌دهی به ورزش قهرمانی اسلام‌پسند نقش‌آفرینی داشته باشند، عبارت‌اند از: هدف‌مند بودن خلقت انسان، ترکیب انسان از روح و بدن، اصالت و جاودانگی روح، وجود سرشتی مشترک و فطرتی الهی در همهٔ انسان‌ها و مسئولیت

* https://orcid.org/0000-0001-6225-2156

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

انســـان در برابر خدا. تحقیق حاضر از جمله تحقیق‌های نظری و توسعه‌ای است و اطلاعات و مواد اولیه به روش اســـنادی گردآوری شده و به روش استدلال و نه فن آماری، تجزیه و تحلیل عقلانی شده است.

کلیدواژه‌ها: انســـان، انسان‌شناسی، مبانی انسان‌شـــناختی، ورزش، ورزش قهرمانی.

مقدمه

انســـان تنها یک موجود زمینی، طبیعی و مادی نیست؛ در بینش اساطیری و افسانه‌ای یونان باستان، انســـان زمینی می‌کوشد با دســـتیابی به قدرت جســـمانی انواع خدایان به آگاهی و آزادی یا تحقق خویشـــتن دســـت یابد؛ از این‌رو انسان یونانی، شیفتهٔ خود، کســـب قدرت بدنی و بدن‌دوستی بود تا از دیگری رها شـــود. در این عصر، انسان می‌کوشید با نفی خدایان طبیعی به خود برسد، ملاک درستی و نادرستی را از انسان بگیرد و ملاک زیبایی هم اندام او باشد. به این ترتیب، قدرت و لذت اهمیت زیادی یافت و به همین دلیل در زیبایی‌شناسی یونانی به پیکر آدمی در مجسمه‌سازی و بروز زیبایی‌های او توجه بیشـــتری شد. رقابت‌های ورزشی المپیک باستان را می‌توان از این جنبه مدنظر قرار داد. در قرون وســـطی و هنگام تسلط فرهنگ کاتولیک، انسان آسمانی و کسب قدرت معنوی و اخلاقی، ارزش بیشـــتری یافت و تجربه یا دنیای مادی در مغایرت با رسیدن به خدای آسمانی قرار گرفت. در دورهٔ رنســـانس، بار دیگر بازگشت به فرهنگ یونانی موجب شکل‌گیری فرایندهای فکری و فرهنگی بســـیاری در قالب مکتب‌های مختلف علمی و فکری شد (انسان‌دوستی و انسان‌گرایی) و انســـان زمینی عقلانی به اهداف مادی، زیستی و دنیوی توجه بیشتری کرد (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰؛ شـــریعتی، ۱۳۵۵، صص ۱۵-۶). در این میان، ورزش قهرمانی در هریک از این دوره‌ها براساس تفســـیر فکری- فلســـفی حاکم دربارهٔ ماهیت انســـان، جایگاه خاص در زندگی فردی و اجتماعی پیدا کرد.

ورزش قهرمانی مدرن را پییر دو کوبرتن پایه‌گذاری کرد. با تجاری‌شـــدن این ورزش، شـــاهد برده‌شـــدن و کالایی‌شدن ورزشکاران هســـتیم؛ به‌طوری‌که در دوران مدرن ماهیت این نوع ورزش تغییر یافته، ورزشـــکاران هویت اصلی و واقعی خودشان را از دست رفته می‌بینند و فسادهای مالی و اخلاقی روزبه‌روز بیشتر می‌شود. برای تغییر و تحول در این ورزش قهرمانی، لازم است نوع نگاه قانون‌گذاران، برگزارکنندگان، مجریان، تماشـــاگران و ورزشکاران عرصهٔ ورزش قهرمانی به انسان و کمال او، همچنین سرشـــت انسان و ابعاد او و آغاز و سرانجام انسان عوض شود؛ بنابراین شناخت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

دقیق مبانی انسان‌شناسی اسلامی ناظر به ورزش قهرمانی، نقطهٔ آغازی بر دگرگونی اساسی ساختار و محتوای ورزش قهرمانی موجود و حرکت به سمت شکل‌دهی به «ورزش قهرمانی اسلام‌پسند» است؛ کاری که تاکنون در هیچ کتاب و مقاله‌ای به آن پرداخته نشده است.

مفاهیم

مبانی

واژه «مبانی» در حالت مضاف به علوم مختلف، معانی متعددی دارد، اما در اینجا عبارت است از مبادی و مقدمات اساسی و مفروضات اصولی که در بستر یک نظام فکری و جهان‌بینی معین ارائه شده و به‌عنوان زیربنای سایر عناصر در زمینه‌ای خاص تلقی می‌شود.

انسان‌شناسی

مقصود از «انسان‌شناسی» در این مطالعه، دانشی است که به مطالعه و توصیف مجموعه‌ای از مسائل کلی و کلان ناظر به ابعاد وجودی انسان می‌پردازد. این نوع مطالعه می‌تواند با روش فلسفی، دینی و تجربی صورت گیرد؛ به همین دلیل شامل انسان‌شناسی فلسفی، انسان‌شناسی دینی و نیز مباحثی از روان‌شناسی علمی و دینی است. مباحثی از قبیل بسیط یا مرکب و مجرد یا مادی‌بودن نفس انسانی؛ اجزا، مقومات، هویت و ماهیت انسان؛ جاودانه یا غیرجاودانه بودن او؛ مجبور یا مختاربودن انسان؛ کمال نهایی و سعادت واقعی انسان؛ لذّت و کمال‌طلبی انسان؛ نقش نیت در شکل‌دهی به هویت انسان و...

ورزش قهرمانی

ورزش قهرمانی[1] که در کنار ورزش همگانی،[2] ورزش تربیتی و آموزشی[3] و ورزش حرفه‌ای[4] یکی از سطوح مختلف ورزش است، به ورزش‌های رقابتی و تمرکزیافته‌ای گفته می‌شود که با توجه به قوانین و مقررات خاصی، برای ارتقای رکوردهای ورزشی و کسب رتبه یا مدال صورت می‌گیرد (نجفی و آهنگری، ۱۳۹۷، ص ۲۳؛ مروتی و سرافراز، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

1. Championship sport
2. sport for all
3. Educational sport
4. Professional sport

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

وســـت و بوچـــر معتقدنـــد ورزش قهرمانی عبارت اســـت از بازی‌ها و ورزش‌هـــای رقابتی و ســـازمان‌یافته که افراد ماهر در آن‌ها شرکت می‌کنند (وســـت و بوچر، ۱۳۷۴، ص ۵۵). با توجه به تعریف‌های فوق، مراد از ورزش قهرمانی، ورزش‌های رقابتی و ســـازمان‌یافته‌ای است که با توجه به قوانین و مقررات خاص خودش، برای ارتقای رکوردهای ورزشی و کسب رتبه یا مدال اجرا می‌شود. در بیشـــتر کشـــورهای جهان، امر ورزش قهرمانی از طریق کمیته‌های ملی المپیک و سازمان‌های وابسته به آن مدیریت و راهبری می‌شود (قالیباف، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶).

مبانی انسان‌شناختی اسلامی ورزش قهرمانی

مبانی انسان‌شـــناختی اســـلامی ورزش قهرمانی، موارد زیادی را شامل می‌شود که پرداختن به همهٔ آن‌ها از حوصلهٔ این نوشـــتار خارج اســـت؛ بنابراین در ادامه به مبانی‌ای پرداخته می‌شـــود که تأثیر فراوانـــی بر ورزش قهرمانی دارند و این مبانی کمک شـــایانی به خواننده می‌کند تا بهتر بتواند وجوه افتراق و تمایز ورزش قهرمانی نوین و ورزش قهرمانی اسلام‌پسند را درک کند.

هدف‌مند بودن خلقت انسان

هدف‌داری خلقت به این معناســـت که مـــا برای خلقت غایت قائل هســـتیم؛ یعنی برخلاف نگاه داروینیستی، حرکت اشـــیاء بی‌هدف، بدون برنامه، بی‌نظم و تصادفی نیست؛ کمالی که اشیاء پیدا می‌کنند به‌صورت تصادف مطلق به وجود نیامده، بلکه از ابتدا که اشـــیاء حرکت کرده‌اند، به‌سوی همین کمال می‌رفته‌اند. اســـلام می‌گوید جهان آفرینش محکوم ضوابط خاص و دقیقی است و در خلقت هیچ چیزی عبث، باطل، لغو و بیهوده نیست؛ زیرا بازگشت اشیاء به‌سوی خداست؛ بنابراین انســـان نیز باید هدف مذکور و روش طی طریق به سمت آن را درک کند و خود را در راستای چنین هدفی قرار دهد. آیات و روایات نشـــان می‌دهد هدف فوق در یک جمله «رسیدن به کمال نهایی یا قرب به خداوند» است (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۴، صص ۶۹۳-۶۹۲).

با تکیه بر این مبنای انسان‌شـــناختی هرگز نباید به ورزش قهرمانی به‌مثابهٔ یک هدف نگاه کرد، بلکه همهٔ امور و کنش‌های انســـانی و از جمله ورزش قهرمانی باید ابزارهایی باشند که آدمی را در انجام وظیفهٔ عبودیت و دستیابی به سعادت نهایی یاری می‌کنند. در این حالت، ورزش قهرمانی از حالت ســـرگرمی صرف، تجارت محض و ... خارج می‌شود و جنبهٔ دینی و الهی به خود می‌گیرد؛ بنابراین اگر ورزشـــکار یا مربی در ورزش قهرمانی تنها به‌دنبال شهرت‌طلبی یا کسب درآمد صرف باشد، از جایگاه اصلی خود خارج و از مســـیر واقعی‌اش منحرف شده است. اگر ورزش قهرمانی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

به ورزشکاران رشد و تکامل روحی و جســمی نبخشد، هر برتری و موفقیتی که برای آن‌ها حاصل شود، خطرناک و بی‌فایده است.

اگر ورزش قهرمانی در راه خدا قرار بگیرد، جزء اعمال صالح اســت؛ در همین راســتا آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار جانبازان شرکت‌کننده در المپیک آتلانتا فرموده‌اند:

«امیدواریم خداوند شــما را موفق بدارد و کارهایی را که انجام می‌دهید، در راه خدا قرار بدهد... این کاری که شما امشب اینجا انجام دادید و همیشه انجام می‌دهید، عمل صالح است» (خامنه‌ای، ۷ /۶/ ۱۳۷۵، پیام‌ها).

براســاس مبانی ارزش‌شناختی اسلامی، کنش‌های اختیاری انســان از جمله ورزش قهرمانی به‌خودی خــود ارزش ندارند، بلکه نیت، هــدف و جهت حرکت آن کنش اســت که به آن ارزش می‌دهد یا آن را ضد ارزش می‌سازد. درواقع در آیین رهایی‌بخش اسلام، نوع و شکل ورزش قهرمانی مســئله اساسی نیســت؛ بلکه مســئلهٔ مهم، هدف و جهت‌گیری ورزش قهرمانی است (آذربانی و کلانتری، ۱۳۸۲، ص ۶۲)؛ درنتیجه ورزشــکاری که عالم را حاصل تصادف مادی می‌داند و برای آن هدفی ماورایی در نظر نگرفته، معیار ســود و زیانش متفاوت از ورزشــکاری است که آفرینش را امری هدفمند و آمدن و رفتنش را از او و به‌سوی او می‌داند؛ بنابراین اولی که همهٔ حیات خود را بین تولد تا مرگ می‌بیند و زندگی و رفاه مادی را هدف اصلی خود می‌پندارد، تمام دغدغه و تلاشــش به ســمت قهرمانی، کسب مدال‌های بیشــتر، جابه‌جا کردن رکوردها و... سوق می‌یابد و دوست دارد این امور را به هر قیمتی به دست بیاورد، اما ورزشکار دومی که خود را نه محدود به این جهان، بلکه موجودی جاودانه می‌داند و زندگی مادی را هدف میانی و مقدمهٔ رســیدن به ســرای ابدی می‌داند، تمام هم و غم خود را صرف این می‌کند که به خداوند متعال نزدیک شود.

چنین ورزشکاری بی‌شک دنبال این نیســت که به هر قیمتی برنده میدان شود و حتی در موارد خاص، لازم است بازنده شود. مانند پوریای ولی که می‌توانست به‌راحتی پهلوان هندی را شکست دهد، اما به خاطر اینکه دل مادر آن پهلوان را نشــکند، در آن دیدار خاص مغلوب حریف خود شد (شــفیعی سروستانی، ۱۳۷۸، صص ۸۰-۷۹) یا عمل بسیار ارزشی و اخلاقی قایقران کانادایی که در المپیک ۱۹۸۸ ســئول (زمانی که آشکارا شانس برتر کسب مدال را داشت) مسابقه را رها کرد تا قایقران دیگری را که دچار مشکل شده بود، نجات دهد (بوچر و اشنایدر، ۱۳۸۷، صص ۹۹-۹۸)؛ بنابراین این دو ورزشــکار با رفتار خودشــان نشان دادند که برنده‌شــدن و کسب امتیاز نباید هدف نهایی ورزشــکاران باشد، بلکه گاهی اوقات باید برای رســیدن به اهداف مهم‌تر از برد و قهرمانی دست بکشند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

ترکیب انسان از روح و بدن

فیلسوفان مسلمان به‌ویژه ملاصدرا، با بهره‌گیری از اصول فلسفی عام خویش، مانند اصالت و تشکیک وجود، حرکت جوهری و سرانجام ترکیب اتحادی ماده و صورت، نظریهٔ ترکیب اتحادی و ذاتی نفس و بدن را ارائه می‌دهند. ملاصدرا بدن را مرتبهٔ نازلهٔ نفس به شمار می‌آورد؛ بدین معنا که رابطهٔ نفس با بدن چنان عمیق است که اجازهٔ تلقی ابتدایی دوگانگی و ثنویت را نمی‌دهد. وقتی رابطهٔ آن دو رابطهٔ اتحادی، عینیت و این‌همانی شد، نفس موطن بدن را هم پر می‌کند. البته به لحاظ تحلیلی یک جهت صورت داریم و یک جهت ماده که رابطهٔ اتحادی است. رابطهٔ آن با بدن، رابطهٔ صورت با ماده است، اما نوع عالی ارتباط است (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۴۱۰، ج ۵، صص ۲۸۳-۲۸۲). به نظر صدرالمتألهین نفس در آغاز جسمانی و مادی محض است (همان، ج ۸، صص ۱۲-۱۳)، ولی به‌تدریج با حرکت جوهری اشتدادی، ضمن حفظ مرتبهٔ پیشین به سمت تجرد پیش می‌رود؛ یعنی نخست مادی محض است، سپس مادی - مثالی می‌شود و ممکن است به مرتبهٔ مادی- مثالی عقلی نیز برسد (همان، ج ۸، ص ۲۲۳؛ ج ۹، صص ۱۹۰-۱۸۸).

تأثیر این مبنا بر ورزش قهرمانی بدین صورت است که وقتی نگاه به انسان به این صورت باشد که تفکیک بدن و روح از یکدیگر ممکن نیست، بلکه بین این دو ترکیب اتحادی برقرار است، دیگر شاهد نگاه‌های تفریطی به بدن نیستیم؛ همان نگاهی که در قرون وسطی، مسیحیان به بدن داشتند و اهمیت چندانی برای آن قائل نبودند و نتیجهٔ آن تعطیل‌شدن ورزش قهرمانی شد (See: Mechi-koff, 2014, p. 69; DeVoe, 1987, p. 37) یا شاهد نگاه افراطی هم به بدن نخواهیم بود؛ یعنی نگاهی که در المپیک مدرن به بدن وجود دارد. این نگاه افراطی به بدن، از یک‌سو ورزشکاران را به سمت پرورش اندام و بازوان قوی و سینه‌های ستبر می‌کشاند، تا جایی که کمتر به مسائل روحی خود توجه کنند و از سوی دیگر شاهد مسابقاتی مانند مسابقات پرورش اندام و شعارهایی مانند «قوی‌تر، سریع‌تر و بالاتر» هستیم؛ بدون اینکه در این مسابقات و شعارها، به ابعاد روحی و معنوی انسان توجه شود.

در ورزش قهرمانی مطلوب، با توجه به اینکه روح و بدن از یکدیگر قابل تفکیک نیستند، نباید شاهد رشته‌هایی باشیم که تمام تمرکز خود را صرف بدن یا تمام تلاش خود را صرف ابعاد روحی انسان می‌کنند. همچنین مربیان نباید بیش‌ازحد به مسائل جسمی یا روحی ورزشکار بپردازند؛ به‌طوری‌که از بعد دیگر انسان غافل شوند. این تعادل و تناسب میان روح و بدن باید حفظ شود، همان‌طور که افلاطون می‌گفت: کسی که تنها به ورزش می‌پردازد، وحشی و خشن می‌شود و آن که به تربیت روحی قناعت می‌کند بیش از اندازه نرم و ملایم (افلاطون، ۱۳۶۶، ص ۹۸۷). براساس

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

همین مبنا، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در جمع اعضای انجمن کاراته ایران فرموده‌اند:

«الان مملکت مـــا هم احتیاج به قـــدرت روحی دارد و هم احتیاج به قدرت جســـمی. امیدوارم که شـــما در هر دو مرتبه، هم در جانب روح و هم در جانب جســـم خودتان را تقویت کنید... آن‌هایی که اهل خدا هستند و توجه به خدا دارند، ورزش جسمی و ورزش روحی می‌کنند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج۸، ص ۲۵۰).

تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر

وقتی در فلسفهٔ اسلامی به‌ویژه از منظر ملاصدرا، ثابت می‌شود روح با بدن، ترکیب اتحادی و ذاتی دارند و روح، حقیقت تعلّقی دارد، نتیجهٔ قهری و قطعی این مقوله این است که روح و بدن بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ چنان‌که بیماری‌های جســـمانی، روان انســـان را نیز آزرده می‌کنند و فشـــارهای روانی در بدن انسان بازتاب می‌یابند. همچنان که جسم سالم سبب می‌شود انسان مشکلات روحی و روانی کمتری داشته باشد و روان آرام می‌تواند مهارت‌های فردی و اجتماعی عالی‌تری ایجاد کند. این ارتباط به‌گونه‌ای اســـت که امروزه بخش درخور توجهی از تحقیقات پزشکی و روان‌پزشکی به بیماری‌های موسوم به «روان‌تنی» اختصاص یافته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸). افلاطون در رسالهٔ خارمیدس از زبان سقراط می‌گوید:

«پزشـــک همچنان که نباید پیش از معالجهٔ سر، چشم را مداوا کند و پیش از مداوای تمام تن به معالجهٔ سر بپردازد، مداوای تن را نیز نباید آغاز کند؛ پیش از آنکه روح را علاج کند و علت آنکه پزشـــکان یونانی از مداوای بسی از بیماری‌ها ناتوان‌اند، این است که از کل غافل‌اند و نمی‌دانند که اگر کل بیمار باشـــد، هیچ‌یک از اجزای آن تندرستی نمی‌پذیرد» (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۵).

علامه حسن‌زاده آملی در بحث تأثیر و تأثّر روح و بدن می‌نویسد:

«انســـان هرگاه تصور کند که فلانی موذی است، از این تصور غضبی در قلب او حاصل می‌شـــود و مزاج او را ســـخت گرم می‌کند؛ پس مبدأ این سخونت (گرمی) جز آن تصور نفســـانی نیست؛ پس چون ثابت شده که تصور نفسانی موجب تغییر خاص بدن اوست، دور نیســـت که برخی از نفوس به‌گونه‌ای باشـــند که تأثیرات آن‌ها به ابدان دیگران تعدی کند؛ پس ثابت شـــده که به‌حسب عقل ممتنع نیست که نفسی در سایر ابدان مؤثر باشد؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

چنان‌که اصابت عین انسان شورچشم»[1] (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۲). حتی این مسئله در حیوانات نیز مشاهده می‌شود (نک: ابن‌سینا، ۱۴۰۶، ج ۱، صص ۱۴۰-۱۳۹). با توجه به این مبنا، باید چند موضوع را رعایت کرد تا ورزش قهرمانی موجود به سمت ورزش قهرمانی اسلام‌پسند سوق داده شود:

الف) پرداختن به بدن و قوای جسمانی، عامل پذیرش سریع‌تر امور معنوی توسط روح انسان

امام خمینی (ره) در جمع ورزشکاران و فرهنگیان بابل فرموده‌اند: «آن‌ها که جنبهٔ ورزشکاری و مادی را دارند، آن‌ها جوان‌هایی هستند که قوای جسمی‌شان به خاطر همین ورزش نشاط و آمادگی پیدا می‌کند؛ آن وقت روح آن‌ها معنویات و ایمان را زودتر قبول می‌کند» (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶). بر این اساس، اگر ورزشکار یا مربی‌ای، تهی از امور روحی و معنوی است، یا به مرور زمان، از مسائل روحی و معنوی فاصله می‌گیرد، مشخص می‌شود به‌شکلی غیرمتعارف به بدن خود پرداخته است. متأسفانه در ورزش قهرمانی موجود، بسیاری از ورزشکاران بعد از مدتی که مشغول به ورزش می‌شوند، به‌تدریج از امور معنوی فاصله می‌گیرند و حتی به عباداتی مانند نماز و روزه بی‌توجه می‌شوند؛ اموری که قبل از پرداختن به ورزش قهرمانی، آن‌ها را بدون هیچ تکلفی انجام می‌دادند؛ درحالی‌که اگر به‌صورت طبیعی و متعارف پیش می‌رفت، نه‌تنها به امور دینی و معنوی بی‌رغبت نمی‌شدند، بلکه با انگیزهٔ مضاعفی به امور معنوی روی می‌آوردند.

همچنان که در روایاتی از مولای متقیان علی (ع) آمده است: «أَقْوَى اَلنَّاسِ أَعْظَمُهُمْ سُلْطَاناً عَلَى نَفْسِهِ؛ قوی‌ترین مردم کسی است که بر هواهای نفسانی خود غلبه کند» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶). «إِذَا قَوِيتَ فَاقْوَ عَلَى طَاعَةِ اَللَّهِ وَ إِذَا ضَعُفْتَ فَاضْعُفْ عَنْ مَعْصِيَةِ اَللَّهِ؛ هرگاه توانا باشی بر طاعت خدا توانا باش و اگر ناتوان بودی از معصیت خدا ناتوان باش» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، صص ۱۴۱-۱۴۰؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۵). یا در دعای کمیل از پروردگار می‌خواهد تا قوت جسمی و بدنی به او بدهد تا آن را در راه اطاعت و بندگی او به کار گیرد: «قَوِّ عَلى خِدمَتِكَ جَوارِحي؛ پروردگارا! جوارح و اعضای بدن مرا برای خدمت خودت قوی گردان» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۴۹)؛ بنابراین ورزش قهرمانی و تربیت جسمانی، هدف نیست، بلکه ورزش و تقویت قوای بدنی باید وسیله‌ای برای کسب امور معنوی و خدمت به خدا و خلق خدا باشد؛ همان‌گونه که «پوریای ولی» که شاید بتوان وی را بنیان‌گذار ورزش زورخانه‌ای نامید، دربارهٔ قهرمان واقعی می‌گوید:

۱. منظور همان چشم‌زخم است که در آیهٔ ۵۱ سوره قلم نیز آمده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

گر بر سر نفس خود امیری مردی ور بر دگری نکته نگیری مردی
مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

رودکی، رباعیات، رباعی شماره ۳۴.

ب) توجه به اموری همچون دعا، توسل، عبادت و...، در کنار تلاش و کوشش

وقتی روشن شد که روح تأثیر زیادی بر بدن انسان دارد، ورزشکاران نباید از پرداختن به امور معنوی مانند دعا، توسل و... غافل شوند و همان‌طور که گذشت (بحث چشم‌زخم)، حتی نفوس انسان‌ها روی همدیگر تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین ورزشکاران هم خود باید اهل دعا، توسل و توکل باشند و هم مناسب است به مربیان، هواداران و اعضای خانواده خود سفارش کنند هنگام انجام مسابقات آنان را دعا کنند. مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

«تأثیر عامل معنوی در کسب موفقیت‌ها بسیار زیاد است و در امر ورزش نیز نباید خود را از این عامل مهم محروم کنیم... ما، در عرصهٔ جنگ، نقش تضرع و توسل و دعا را در پیروزی بر دشمن تجربه کرده‌ایم و در میدان‌های ورزشی نیز ورزشکاران ورزیده‌ای که به رحمت و لطف خداوند تمسک جسته باشند، بی‌تردید بر رقبای خود برتری دارند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۶/۲۳، پیام‌ها).

در مسابقات مهم و حساس جام جهانی و المپیک، که تمام ورزشکاران نهایت تلاش جسمی خود را انجام می‌دهند، همین مسائل معنوی و روحی سبب برنده‌شدن و بازنده‌شدن ورزشکاران می‌شود. تأثیر مسائل روحی گاهی سبب می‌شود که فردی رتبهٔ اول دنیا را کسب کند و قدرت بدنی بالاتری داشته باشد، اما در عین حال گاهی در مسابقه با ورزشکاری که رنکینگ پایین‌تر و قدرت بدنی کمتری از او دارد، شکست بخورد.

ج) عقل سالم در بدن سالم

در ورزش قهرمانی اسلام‌پسند، بدن و نیروهای بدنی محترم شمرده شده و بر مواظبت از سلامت و تقویت آن‌ها تأکید ویژه شده است. به‌طورکلی یک انسان مسلمان هرگز مجاز نیست به بهانه پرداختن به مسائل روحی و معنوی، به بدن و قوای بدنی و جسمی خود بی‌اعتنا باشد. بی‌شک سلامتی و قدرت معنوی ارتباطی تنگاتنگ با سلامتی و قدرت جسمی دارد. امام خمینی (ره) در جمع گروهی از اعضای تیم ملی و هیئت وزنه‌برداری تهران فرموده‌اند: «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان‌طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

عقل سالم شد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد» (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۴). یا در جمع ورزشکاران و تیم‌های منتخب فوتبال تهران فرموده‌اند:

«ورزشکارها همیشه این‌طور بودند که یک روح سالمی داشتند، از باب اینکه توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است و شما اگر دقت کنید در حال جامعه‌ها و طبقات جامعه می‌بینید آن‌هایی که در عیش و عشرت می‌گذرانند، حقیقتاً عیش و عشرت نیست، بدن‌ها افسرده، روح‌ها پژمرده و کسالت سر تا پای آن‌ها را گرفته است. اگر دو ساعت عشرت می‌کنند، ۲۲ ساعت در ناراحتی هستند و آن‌هایی که اهل خدا هستند، توجه به خدا دارند، ورزش جسمی می‌کنند و ورزش روحی، آن‌ها در تمام مدت، اشخاصی هستند که پژمردگی در آن‌ها نیست، افسردگی در آن‌ها نیست و این یک نعمتی است از خدای تبارک و تعالی که خداوند نصیب همه بکند، ان شاء اللّه» (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۶، ص ۸۰).

د) نیازمندی ورزشکاران به مربیان روحی

با توجه به این مبنای انسان‌شناختی می‌توان گفت در ورزش قهرمانی اسلام‌پسند، همان‌طور که ورزشکاران و تیم‌های ورزشی، «مربی بدن‌ساز» دارند، لازم است مربی‌ای داشته باشند که در کار تربیت و تقویت ابعاد روحی و معنوی آن‌ها باشد. با اتکای صرف به مربیان بدن‌ساز نمی‌توان انتظار داشت قهرمانانی ورزشی در طراز فکر و زندگی اسلامی تربیت شوند. حاصل اینکه ورزش قهرمانی اسلام‌پسند، به‌گونه‌ای است که از هیچ بخشی از توانایی‌های انسان غفلت نمی‌شود؛ بنابراین ورزش قهرمانی مطلوب، یک نظام همه‌جانبهٔ انسان‌سازی است؛ یعنی علاوه بر تأکید بر جسم بر ابعاد روحی و معنوی نیز تأکید دارد. قدرت و تقویت جسمانی باید هم‌پای خودشناسی، تهذیب نفس و ایستادگی در مقابل گناه باشد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی:

«باید محیط ورزش را محیط معنوی کنید. محیط معنوی، همان محیط پهلوانی دیرین ورزشکاران قدیمی خود ماست؛ آن‌هایی که وقتی وارد گود ورزشی می‌شدند، خاک گود را می‌بوسیدند؛ آن‌هایی که همیشه ورزش را با نام خدا شروع می‌کردند و با نام خدا تمام می‌کردند- با بسم‌اللّه شروع می‌کردند و با دعا تمام می‌کردند- کشور ما این‌گونه کشوری است. محیط ورزش آن، محیط معنوی، جوانمردی، ایمان، تقوا، پاک‌دامنی و پارسایی و محیط معنویت و درخشندگی روحی و نفسانی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۶/۱۵، پیام‌ها).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

اصالت و جاودانگی روح

فیلســوفان مســلمان با براهین عقلی و نقلی ثابت کرده‌اند بخش اصیل وجود انسان، روح اوست و بدن، ابزاری در اختیار آن است. این فیلسوفان با توجه به اینکه روح امری غیرمادی است، فناناپذیر بودن و جاودانگی آن را نتیجه گرفته‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، صص ۱۴۳-۱۴۲). با توجه به این مبنا دانسته می‌شــود اگر در جایی میان خواسته‌های روحی و نیازهای بدنی ورزشکار تزاحم پیش آید، باید اولویت را به خواســته‌های روحی داد. دقیقاً شــبیه کاری که شهید ابراهیم هادی در یکی از مســابقاتش انجام داد. ایشان در یکی از مسابقات کشــتی که تیم‌ها ۲ بر ۲ مساوی بودند، باید کشــتی آخر را برگزار می‌کردند که اگر برنده می‌شــدند، تیم آن‌ها درمجموع ۳ بر ۲ به پیروزی می‌رســید، اما شهید ابراهیم هادی از وضعیت بعد مسابقه آگاه بود و می‌دانست اگر کشتی را ببرد، تیم مهمان شروع به دعوا و درگیری می‌کند؛ بنابراین در آن مسابقه پا روی نفس خود گذاشت و برای خدا با نفس خود کشتی گرفت نه با آن‌ها و این‌چنین از بروز کینه و دعوا میان دو تیم جلوگیری کرد (گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۴، صص ۲۴-۲۳).

مسئولیت انسان در برابر خدا

انسان در برابر خدا، در برابر خود و همهٔ موجودات دیگر مسئول است: از آنجا که انسان بندهٔ خداوند اســت، مکلف به همهٔ دستورهایی اســت که پیشــوایان دین از مصدر وحی دریافت کرده‌اند و در کتاب و سنت به ودیعت نهاده‌اند. براساس آموزه‌های اسلامی و برخلاف دیدگاه مکاتبی که فرهنگ «لااُبالیگری» و «بی‌تفاوتی» را در قالب اصولی چون «فردگرایی» و «نسبیت‌گرایی» تبلیغ می‌کنند، انسان مســلمان از کنار رفتارهایی که از افراد دیگر جامعه صادر می‌شود، بی‌تفاوت نمی‌گذرد و در حــد توان خود به «امر به معروف» و «نهی از منکر» می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، صص ۲۳۴-۲۳۳؛ ۱۳۹۱ ب، صص ۴۱-۴۰).

این مســئولیت دربارهٔ کسانی که پیوند نزدیک‌تری با فرد دارند، شدیدتر است. موجودات دیگر عالم طبیعت (اعم از جاندار و بی‌جان) نیز از قلمرو مسئولیت انسان بیرون نیستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، صص ۱۰۱-۹۹) و او نمی‌تواند جز از طریقی که در شــریعت مقرر شــده است، از این مواهب الهی بهره ببرد.

ناگفته پیداســت که مسئولیت انسان تنها در حوزهٔ افعال اختیاری است و تحقق افعال اختیاری وابســته به وجود توانایی، بینش و گرایش است. با این همه، فراهم‌کردن مقدمات انجام کار نیز گاه بر عهدهٔ افراد مسئول است؛ برای نمونه اگر پدر و مادر را مسئول تعلیم و تربیت فرزندان دانستیم، بر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

آن‌ها لازم است مقدمات انجام چنین مسئولیتی را-ئدر حد توان- فراهم کنند؛ برای مثال بینش خود را در ایـــن باره افزایش دهند و موانع موجود را برطرف کنند (جمعی از نویســـندگان، ۱۳۹۷، صص ۱۷۵-۱۷۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۰، صص ۳۹-۳۸).

از آنجا که همهٔ ورزشـــکاران و مربیان بندهٔ خدا به شـــمار می‌آیند، مکلف به همهٔ دســـتورهایی هســـتند که در کتاب و ســـنت وجود دارد. آن‌ها در قبال تمامی رفتارهایی که انجام می‌دهند مسئول هســـتند؛ حتی اگر نهادهای بین‌المللی ورزشـــی برای آن رفتارها و اعمال، چیزی را در نظر نگرفته باشـــند. ورزش باید به‌گونه‌ای باشد که ورزشـــکاران و مربیان ورزشی بیشترین سود و بهرهٔ معنوی و انســـانی را نصیب ورزش‌کاران، مربیان ورزشی و جامعهٔ ورزشـــی کند. همچنین با توجه به روایت پیامبـــر اکرم (ص) که می‌فرماید: «اِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقّاً وَ إِنَّ لِجَسَـــدِكَ عَلَيْكَ حَقّاً وَ لاَهلِكَ عَلَيْكَ حَقّاً» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۶)، بدن انسان حق انکارناپذیری بر انسان دارد؛ به‌طوری‌که در این حدیث شریف، حق بدن در کنار حق خدا و خانواده ذکر شده است؛ بنابراین ورزشکاران در ورزش قهرمانـــی مطلوب، نباید بیش از اندازه به بدن خود زحمـــت دهند؛ به‌طوری‌که بعد از اتمام ورزش قهرمانی، بدن آن‌ها دچار آســـیب‌های فراوانی شـــده و ورزشکار در مسیر عبادت‌کردن و خدمت به مردم با مشکل مواجه شود.

از ســـوی دیگر، با توجه به ضرورت ورزش قهرمانی و این مبنا، همهٔ مسئولان از دولت‌ها گرفته تا پدر و مادرها، موظف هســـتند که بستر رشد و توسعهٔ ورزش قهرمانی مطلوب را فراهم کنند. دولت‌ها بایـــد امکانات و بودجهٔ لازم را به ورزش قهرمانی اختصاص دهند. پدر و مادرها نیز وظیفه دارند نگاه و بینـــش فرزندان خود را به ورزش قهرمانی اصلاح کنند؛ به این صورت که فرزندان احســـاس نکنند وقت‌گذاشـــتن برای ورزش قهرمانی، ســـبب اتلاف عمر آن‌ها می‌شـــود یا اینکه تصور نشود ورزش قهرمانی، به افت اخلاقی و تربیتی فرزندانشان می‌انجامد، بلکه این نگاه را در فرزندان خود ایجاد کنند که رفتن آن‌ها به‌ســـوی ورزش قهرمانی می‌تواند از آن‌ها فردی مانند پوریای ولی بســـازد که هم سبب تحول روحی در خود فرزند می‌شود و هم الگوی موفق، تأثیرگذار و همیشگی برای سایر افراد باشد.

همچنین در ورزش قهرمانی مطلوب «لاابالیگری» و «بی‌تفاوتی» به ســـایر مردم وجود ندارد. اگر ورزش قهرمانی بینندگان زیادی دارد و ورزشـــکاران تأثیرات زیادی بر مردم، به‌ویژه قشر نوجوان و جوان دارند، باید بســـتر رفتار با آسیب‌های اجتماعی به‌کمک ورزش قهرمانی و ورزشکاران فراهم شـــود؛ یعنی همهٔ ورزشکاران یا باشـــگاه‌های ورزشـــی خود را موظف به مقابله با حداقل یکی از آســـیب‌های اجتماعی بدانند. به این صورت که آن باشـــگاه در کنار فعالیت‌های ورزشی خود، یک شعار فرهنگی-اجتماعی (مانند مبارزه با اعتیاد، توسعه و رونق حرکت‌های جهادی، توسعهٔ فرهنگ

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

کتاب و کتاب‌خوانی، مشـــارکت در انتخابات و...) داشته باشند که در ورزشگاه، روی پیراهن و... آن را تبلیغ کنند.

وجود سرشتی مشترک و فطرتی الهی در همهٔ انسان‌ها

همهٔ افراد با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، دارای سرشـــتی مشترک هستند. از شواهد وجود چنین سرشتی این است که همهٔ انســـان‌ها- از نژادها و فرهنگ‌های مختلف- در احکام اولیهٔ عقل نظری (مانند اجتماع دو نقیض محال اســـت) و عقل عملی (مانند باید عدالت ورزید) با یکدیگر اتفاق‌نظر دارند و از تمایلاتی فراحیوانی (مانند حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی و کمال‌طلبی) بهره می‌برند (رجبی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۶-۱۲۴؛ گرامی، ۱۳۹۲، صص ۱۳۱-۱۱۲). همچنین با مراجعه به آیات و روایات، این نکته به دست می‌آید که درجاتی از شناخت شهودی خداوند و گرایش به او، از آغاز آفرینش در وجود همهٔ انسان‌ها نهاده شده‌اند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور؛ درحالی‌که از همهٔ کیش‌ها روی به خدا آری» (روم، ۳۰).

برخی روایات این آیه را بیانگر فطری‌بودن توحید دانسته‌اند. از روایتی دیگر که در تفسیر آیهٔ معروف به میثاق (ذر) آمده چنین برداشـــت می‌شود که شناخت فطری خدا، نه شناختی حصولی و با واسطهٔ مفاهیم، بلکه علمی حضوری و بی‌واسطه است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، صص ۱۵۰-۱۴۹). وجود چنین سرشت مشـــترکی می‌طلبد که یک نظام ورزش قهرمانی مشترک برای تمامی بشر (با هر نژاد و فرهنگی) طراحی شود. از سوی دیگر دیدگاه‌هایی مانند اگزیستانسیالیست‌ها، مارکسیست‌ها و جامعه‌گرایانی مانند امیل دورکیم که هرگونه سرشت مشترک بین انسان‌ها را انکار می‌کنند (نک: واعظی و دفتر همکاری حوزه و دانشـــگاه، ۱۳۷۷، صص ۷۶-۷۳؛ گرامـــی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۰۹) نمی‌توانند از ورزش قهرمانی مطلوب و جهانی و مشـــترک بین انســـان‌ها سخن بگویند. همچنین فرویدگرایان، تجربه‌گرایانی مانند هابز، سودگرایانی مانند جان استوارت میل و بنتام و قاطبهٔ مسیحیان که قائل به نظریهٔ دیوسرشتی انسان هستند (نک: میشل، ۱۳۷۷، ص ۷۷؛ ویلسون، ۱۳۸۱، ۱۴۴-۱۴۱؛ گرامی، ۱۳۹۲، ۱۱۲-۱۱۱) نمی‌توانند در این باره ســـخنی بگویند؛ زیرا این مکاتب و دیدگاه‌ها یا حقیقت مشترک بین انسان‌ها را قبول ندارند یا اگر سرشت مشترک بین انسان‌ها را قبول دارند، معتقدند این سرشت، به‌خودی خود میل به شـــر و بدی دارد. درنتیجهٔ چنین تفکری ورزش قهرمانی موجود به صحنه‌ای برای جنگ، نفرت، خشونت، درگیری و... تبدیل می‌شود و همهٔ ورزشکاران، مربیان و دست‌اندرکاران، به‌دنبال سود شخصی، منفعت‌جویی، دست‌یابی به بُرد به هر قیمتی و... هستند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

شاید عده‌ای تصور این مبانی تا حد زیادی خیال‌پردازانه و غیرواقع‌بینانه است؛ زیرا اگر انسان‌ها (در این موضوع خاص: ورزشـــکاران) سرشت مشترک دارند و این سرشت نیز الهی است، چرا این همه خُلق و خوهای مختلفی وجود دارد؟ چرا عده‌ای کج‌راهه می‌روند و چرا عده‌ای می‌شوند حاج حســـین رزاز (حســـینی، ۱۳۹۲، صص ۲۸-۲۷) پهلوان عبدالرزاق بیهقی، پوریای ولی و سلطان اسماعیل (نک: شفیعی سروستانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲) و عده‌ای می‌شوند پهلوان اکبر خراسانی که با دغل و نیرنگ در میدان کشتی، سعی در ناقص‌کردن حریفان و زدن ضربهٔ جسمانی به آن‌ها داشت (همان، ص ۱۰۸). با توجه به مبانی پیش‌گفته، جواب این مســـئله روشن است؛ زیرا انسان، اراده و اختیار داشـــته و افزون بر امیال و گرایش‌های فطری، امیـــال و گرایش‌های غریزی نیز دارد. تعارض این امیال (فطری و غریزی)، موجب نوعی کشمکش درونی می‌شود و در این کشاکش درونی اینکه کدام گرایش بر دیگری غلبه کند، به امور مختلف بســـتگی دارد. هر انسان یا ورزشکاری دارای یک نظام فکری است که براساس آن امور را ارزش‌گذاری می‌کند و سپس در مقام تعارض ارزش‌ها آنچه نزد او باارزش‌تر است، برمی‌گزیند (نک: برنجکار، ۱۳۷۴، صص ۴۸-۳۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۳۵۸-۳۴۵؛ سبحانی، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۸۲-۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۱۴۸-۱۳۱)؛ بنابراین انســـان موجودی اســـت که در اثر عوامل مختلف تغییر می‌کند. اعمال نیک انســـان‌ها یا ورزشـــکاران نیز موجب شـــکوفایی فطرت پاک و خداگونهٔ آن‌ها می‌شوند و اعمال بد آنان نیز به افول فطرتشـــان می‌انجامد و چه‌بســـا دل به‌قدری زنگار بگیرد که دیگر هیچ حقیقتی را درک نکند و به تعبیر قرآن کر و کور و لال شـــود؛ زیرا اگر آینهٔ دل پاک نباشد، حقیقت را نمایان نمی‌کند. درواقع صفای باطن افراد برآمده از اعمال نیک آن‌هاســـت (گرامی، ۱۳۹۲، صص ۱۳۲-۱۳۱). حافظ در این باره می‌گوید:

نظر پاک تواند رخ جانان دیدن　　که در آیینه نظر جز به صفا نتوان کرد

حافظ، غزلیات، غزل ۱۳۶.

در ورزش قهرمانی اسلام‌پســـند و با بارورشـــدن فطرت الهی در ورزشکاران، راحت‌تر می‌توان بـــه آرمان‌های «کوبرتن» که برابری، اتحاد، صلح و دوســـتی، احترام به دیگران و... اســـت، جامهٔ عمل پوشـــاند؛ زیرا این موارد با دیدگاه‌های فوق (چه آن‌هایی که سرشـــت مشترک را قبول ندارند و چه مکاتبی که سرشـــت انسان را ذاتاً متمایل به شر و بدی می‌دانند)، تعارض دارد و نتیجهٔ آن همان چیزی اســـت که در ورزش قهرمانی موجود مشاهده می‌شود، اما همان‌طور که بیان شد، اگر فطرت الهی حاکم شود، علاوه بر تحقق آرمان‌های المپیک، حتی ورزشکاران برای پرنده‌ها و حیوانات نیز احترام قائل می‌شـــوند؛ بنابراین با توجه به این مبنا، هـــدف در ورزش قهرمانی مطلوب، باید امری

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

واحد باشد که یکی از اهداف آن، بارورکردن فطرت الهی و انسانی ورزشکاران، مربیان، تماشاگران و داوران ورزشی و زدودن غبار غفلت از آن‌هاست.

هدف نهایی انسان

ارزش‌ها دو دسته‌اند؛ برخی از آن‌ها غایی هستند و برخی ابزاری. در این میان، تنها ارزش غایی در نظام فکری توحیدی و اسلامی «قرب الهی» است و ارزش‌های دیگر همگی از سنخ ارزش‌های ابزاری هستند؛ یعنی هر کار اختیاری یا صفت اکتسابی درصورتی ارزشمند تلقی می‌شود که در خدمت قرب الهی باشد (شریفی، ۱۳۸۸، صص ۳۲-۲۵). این مبنا سبب می‌شود معیار ارزش غایی در ورزش قهرمانی اسلام‌پسند، اموری مانند لذت و سود مادی یا قدرت و ثروت مادی، یا حتی دیگرخواهی نیست؛ چراکه در ورزش قهرمانی اسلام‌پسند، برد و باخت اصالت ندارد و هدف از ورزش کسب سلامتی و ترویج فرهنگ پهلوانی و کسب ارزش‌های اخلاقی و تأمین رضایت الهی است.

نتیجه‌گیری

در ورزش قهرمانی موجود، به‌تدریج و به‌ویژه با تجاری‌شدنش، بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ پهلوانی رنگ باخته است. پول، شهرت، کسب مدال و شهوت جای اخلاق و معنویت و روحیهٔ پهلوانی را گرفته است. به باور ما برای احیای اخلاق و معنویت اصیل و احیای روحیهٔ پهلوانی و جوانمردی در ورزش قهرمانی لازم است نگاه ورزشکاران، قانون‌گذاران و مجریان ورزشی به انسان و حقیقت آن عوض شود؛ انسانی که هدف نهایی‌اش رسیدن به قهرمانی نیست، بلکه هدف غایی و نهایی وی قُرب الهی است و باید بداند که این انسان (در این موضوع: ورزشکار) علاوه بر بدن، روح نیز دارد و اساساً هویت واقعی او به همین بُعد روحی است. از سوی دیگر این دو بعد با یکدیگر در تعامل هستند و باید در کنار هم رشد پیدا کنند؛ بنابراین پرداختن افراطی یا تفریطی به هریک از این دو بعد، فرد را با چالش‌های جسمی و روحی فراوانی مواجه می‌کند که این امر سبب می‌شود از هدف اصلی خویش دور بماند؛ به عبارت دیگر، در نگرش اسلام انسان توأمان موجودی زمینی (مادی و عقلانی) و آسمانی (الهی و معنوی) است و ورزش قهرمانی مطلوب، با حفظ اهداف متناسب در این دو بعد می‌تواند برای هماهنگی و وحدت کل وجود انسان گام بردارد. بر این اساس، ورزش قهرمانی تنها برای تربیت بدن نیست، بلکه ابزاری برای تربیت روحی و معنوی فرد و جامعه به شمار می‌آید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

کتابنامه

۱. **قرآن کریم.**

۲. **نهج‌البلاغه.** ۱۳۷۹. ترجمهٔ محمد دشتی. قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).

۳. ابن‌سینا. ۱۴۰۶. **الشفا (طبیعیات).** چاپ اول. قم: مکتب آیت‌الله مرعشی نجفی.

۴. افلاطون. ۱۳۶۶. **جمهور.** ترجمهٔ محمدحسن لطفی. تهران: انتشارات خوارزمی.

۵. ـــــــ. ۱۳۸۰. **دورهٔ آثار افلاطون.** ترجمهٔ محمدحسن لطفی و رضا کاویانی. جلد ۱. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

۶. آذربانی، احمد؛ کلانتری، رضا. ۱۳۸۲. **اصول و مبانی تربیت‌بدنی و ورزش.** تهران: انتشارات آییژ.

۷. آقا جمال خوانساری. محمد بن حسین. ۱۳۶۶. **شرح غرر الحکم.** تهران: دانشگاه تهران.

۸. برنجکار، رضا. ۱۳۷۴. **معرفت فطری خدا.** تهران: نبأ.

۹. بوچر، رابرت و آنجلا اشنایدر. ۱۳۸۷. **بازی جوانمردانه به معنای احترام به بازی.** در مورگان ویلیام جی و دیگران. اخلاق در ورزش. ترجمهٔ محمدحسین رضوی و محسن بلوریان. تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.

۱۰. جمعی از نویسندگان. ۱۳۹۷. **مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی.** قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۱. حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۷۹. **دیوان حافظ.** تهران: یاسین.

۱۲. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۷۱. **عیون مسائل نفس و سرح العیون فی شرح العیون.** چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۳. حسینی، سید مجید. ۱۳۹۲. **سلوک پهلوانی: مرام پهلوانی و جوانمردی در آیینهٔ قرآن. روایات، حکایات، اشعار و سخن بزرگان.** تهران: کتاب همه.

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. **پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی خامنه‌ای.** www.khamenei.ir.

۱۵. خمینی، روح‌الله. ۱۳۸۷. **تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره).** چاپ پنجم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۶. ـــــــــــــ. ۱۳۸۹. **صحیفه امام(ره).** چاپ پنجم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱۷. رجبی، محمود. ۱۳۸۰. **انسان‌شناسی (مجموعه کتاب‌های آموزش از راه دور).** چاپ اول. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

۱۸. رمضانی‌نژاد، رحیم. ۱۳۸۶. **اصول و مبانی تربیت‌بدنی و ورزش**. تهران: بامداد کتاب.
۱۹. رودکی، جعفربن محمد. ۱۳۸۹. **دیوان رودکی**. تهران: گنجینه.
۲۰. سبحانی، جعفر. ۱۳۷۳. **منشور جاوید**. جلد ۲. چاپ سوم. قم: مؤسسهٔ امام صادق (ع).
۲۱. شریعتی، علی. ۱۳۵۵. **انسان مارکسیسم، اسلام**. تهران: حسینیه ارشاد.
۲۲. شریفی، احمدحسین. ۱۳۸۸. **خوب چیست؟ بد کدام است؟** قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. شفیعی سروستانی، اسماعیل. ۱۳۷۸. **داستان ورزش غرب (سیر تحول تاریخی و فرهنگی ورزش غرب)**. تهران: نشر موعود عصر.
۲۴. صدرالمتألهین شیرازی، محمد. ۱۴۱۰. **الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة**. جلد ۵، ۸، ۱۰. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۱. **مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد**. بیروت: مؤسسهٔ فقه الشیعه.
۲۶. قالیباف، محمدباقر. ۱۳۸۹. **نگاه راهبردی به نظام ورزش در کشور از برنامهٔ پیشرفت و عدالت**. تهران: نگارستان حامد.
۲۷. قمی، عباس. ۱۴۱۴. **سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار**. قم: اسوه.
۲۸. گرامی، غلام‌حسین. ۱۳۹۲. **انسان در اسلام**. قم: دفتر نشر معارف.
۲۹. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. ۱۳۹۴. **سلام بر ابراهیم: زندگی‌نامه و خاطرات شهید ابراهیم هادی**. تهران: انتشارات شهید ابراهیم هادی.
۳۰. لیثی واسطی، علی بن محمد. ۱۳۷۶. **عیون الحکمه و المواعظ**. قم: دارالحدیث.
۳۱. محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۷۰. **مبانی خداشناسی**. جلد ۱. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم.
۳۲. مروتی، محسن؛ سرافراز، محمود. ۱۳۹۸. **اهداف و اصول تربیت‌بدنی و ورزش در اسلام**. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع).
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱ الف. **طوفان فتنه و کشتی بصیرت**. تدوین و نگارش: غلام‌علی عزیزی‌کیا. چاپ پنجم. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۴. _____. ۱۳۹۱ ب. **بزرگ‌ترین فرضیه**. تحقیق و نگارش: قاسم شعبان‌نیا. چاپ چهارم. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۵. _____. ۱۳۹۱ ج. **به پیشواز خورشید غرب**. تدوین و نگارش: مرتضی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]

موسی‌پور. قم: موسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۶. _____. ۱۳۸۰. **معارف قرآن**. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۲. **مجموعه آثار**. جلد ۴. چاپ. پانزدهم. تهران: صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۵. **پیام قرآن**. جلد ۲. چاپ ششم. قم: مدرسهٔ امیرالمؤمنین (ع).
۳۹. میشل، توماس. ۱۳۷۷. **کلام مسیحی**. ترجمهٔ حسین توفیقی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴۰. نجفی، مرتضی؛ آهنگری، قربان. ۱۳۹۷. **فقه ورزش**. قم: زمزم هدایت.
۴۱. واعظی، احمد؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۳۷۷. **انسان از دیدگاه اسلام**. تهران: سمت.
۴۲. وســت. دبورا آ؛ بوچر، چارلــز آ. ۱۳۷۴. **مبانی تربیت‌بدنی، علوم ورزشــی و ورزش**. ترجمهٔ احمد آزاد. تهران: انتشارات کمیتهٔ ملی المپیک.
۴۳. ویلسون، برایان. ۱۳۸۱. **دین مسیح**. ترجمهٔ حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
44. DeVoe, R. F. 1987. **The Christians and the Games: The Relationship Between Christianity and the Roman Games from the First Through the Fifth Centuries,** A.D., Ph.D. Diss: Texas Tech University.
45. Mechikoff, R. 2014. **A History and Philosophy of Sport and Physical Education: From Ancient Civilizations to the Modern World**. Sixth Edition. New York: Published By Mcgraw Hill.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1401.8.2.6.6]